

توسعه خدمات مالی - اعتباری و نهادهای مالی غیر بانکی با تأکید بر بخش روستایی

دکتر علی حسن زاده*

چکیده

در گذشته کمبود سرمایه مانع اصلی توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه نیافته تلقی می شد و به این دلیل دور باطل توسعه برای این کشورها مطرح و راه خروج از آن نیز تزریق سرمایه و ثروت معرفی می شد.

اما نگرش امروز کاملاً متفاوت است، به طوری که وجود سرمایه شرط لازم برای توسعه است نه شرط کافی. زیرا برخی کشورهای در حال توسعه که منابع طبیعی و ثروتهای خدادادی و سرمایه اندکی داشتند، ثابت کردند که با همین سرمایه اندک می توان به توسعه و پیشرفت نایل شد. یکی از راهکارهای مناسب برای دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی، به کارگیری سیستمهای مالی کارآ جهت به جریان انداختن سرمایه های راکد و کم در جامعه است. زیرا سیستمهای مالی کارآ به واسطه کارکردهای اساسی خود، یعنی گردآوری پس اندازها از منابع متنوع خصوصی و هدایت آنها به سرمایه گذاری های تولیدی و مولد و نه صرفاً درآمدزا، ضمن روان کردن

مبادله کالاها و خدمات، باعث کاهش ریسک و هزینه‌های تأمین سرمایه می‌شوند و در نهایت، به واسطه دو مجرای تراکم سرمایه و نوآوری‌های فنی، آثار قابل توجهی بر ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و افزایش ظرفیتهای درآمدی خواهند داشت.

مؤسسات تأمین مالی خرد به‌عنوان بخشی از نظام پولی و اعتباری کشور می‌توانند نقش قابل ملاحظه‌ای در این زمینه داشته باشند. این مؤسسات می‌توانند به‌عنوان نهادهای مکمل سیستم مالی رسمی، سهم و نقش مؤثری را در تجهیز منابع خصوصاً منابع راکد بخش روستایی داشته باشند (به‌عنوان نمونه گرامین بانک بنگلادش). بر این اساس سامان‌دهی این مؤسسات از اولویت به‌سزایی در برنامه‌های توسعه مربوط به بخش پولی کشور برخوردار می‌باشد.

در این مطالعه سعی خواهد شد، با مروری گذرا بر عملکرد و تجربه موفق سایر کشورها به‌ویژه تجربه گرامین بانک بنگلادش^۱ و صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی در ایران، با مقایسه نسبت‌های نفوذپذیری، خودکفایی مالی، ارزش سپرده به وامها، ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی و ارزش افزوده به تعداد کارکنان در این مؤسسات راهکار مناسبی برای رفع مشکلات تأمین مالی خرد در روستاهای کشورمان ارائه شود. بنابراین، هدف این تحقیق شناخت مزایا و معایب هر کدام و ارائه یک الگوی کاربردی و پیشنهادی برای کشورمان است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاخصهای نفوذپذیری، خودکفایی مالی و ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی مربوط به صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی به‌مراتب کمتر از این شاخصها در مورد گرامین بانک بنگلادش است.

واژگان کلیدی:

توسعه خدمات مالی، نهادهای مالی خرد، توسعه روستایی و سیستمهای مالی کارآ یا بازارهای رسمی.

۱ - تجربه سایر کشورها نظیر پاکستان، سودان، لبنان و مصر نیز ارزشمند می‌باشد که لازم است در مقالات دیگری به آن پرداخته شود.

مقدمه

با وجود نقش و اهمیت کارآیی نظام مالی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی، متأسفانه بروز علائمی مانند: کندی در اجابت خواسته‌های مالی مشتریان، کیفیت و کمیت نامناسب خدمات مالی و بالا بودن هزینه‌های اطلاعاتی و معاملاتی، وجود نظام مالی کارآمد در اقتصاد ایران را مورد تردید جدی قرار می‌دهد. در این قسمت ابتدا به تعریف نظام مالی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی و سپس به بررسی نهادهای مالی و طبقه‌بندی آنها و در نهایت، به بررسی بازارهای مالی کشورهای درحال توسعه و شرایط آنها با تأکید بر بازارهای مالی روستایی خواهیم پرداخت.

۱. ناکارآ بودن بازارهای مالی در کشورهای در حال توسعه

توسعه‌نیافتگی بازارهای مالی در کشورهای کم درآمد و در حال توسعه، استفاده از اعتبارات و خدمات مالی را برای گروه‌های کم درآمد و فقیر با ریسک قابل ملاحظه‌ای همراه نموده است. در این‌گونه کشورها، به‌علت عدم کارآیی بازارهای مالی، نه‌تنها قشر عظیمی از جامعه قابلیت دسترسی به منابع مالی را ندارند؛ بلکه سازوکار تجهیز منابع و پس‌اندازها از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد. در این‌صورت فرآیند انباشت سرمایه به تأخیر می‌افتد، بهره‌وری کاهش می‌یابد، زمینه‌های ایجاد فرصت‌های جدید شغلی محدود می‌شود و هزینه‌های استفاده از منابع مالی به‌شدت افزایش می‌یابد و در نهایت اینکه به‌علت ناتوانی نظام مالی در تخصیص پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری‌های مولد، پس‌اندازهای محدود به‌شکل خرید دارایی‌های واقعی مانند زمین، طلا و کالاهای بادوام درمی‌آیند، که این عوامل بر رشد و توسعه اقتصادی یک

جامعه اثر منفی می‌گذارد. در کشورهای در حال توسعه، نهادهای مالی دولتی نقش بسیار مهمی را در بازارهای مالی ایفا می‌کنند. در حالی که شواهد حاکی از آن است که این نهادها غالباً ضمن داشتن عملکرد بسیار ضعیف به شدت مورد حمایت دولت هستند و با استفاده از یارانه‌های فراوان به فعالیتهای غیر اقتصادی خود ادامه می‌دهند.

با توجه به ساختار جمعیت فقیر در کشورهای در حال توسعه و تمرکز آنها در بخش روستایی، مؤسسات تأمین مالی خرد^۱ نقش بسیار مؤثری در توسعه بازارهای مالی ایفا می‌کنند و ابزاری به منظور افزایش رشد و توسعه اقتصادی می‌باشند. این نهادها با ارائه خدمات مالی در سطوح بسیار کوچک، اعم از اعطای اعتبارات اولیه و یا تجهیز پس‌اندازهای کوچک افراد، موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌شوند.

توسعه و گسترش مؤسسات تأمین مالی خرد موجب: الف. تأمین نیازهای سرمایه‌ای کارفرمایان خرد و گروه‌های آسیب‌پذیر؛ ب. ایجاد فرصت مناسب سرمایه‌گذاری برای این سرمایه‌های خرد؛ ج. ایجاد فرصت پس‌انداز مولد برای افراد و د. عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد در صورت ادامه فعالیت این مؤسسات در بلندمدت می‌شود. از پیش زمینه‌های اصلی جهت تحقق این امور ایجاد محیط سیاسی مطلوب همراه با دخالت‌های هدفمند دولت در بازارهای مالی روستایی می‌باشد.

سامان‌دهی نهادهای مالی و اعتباری در جهت اهداف توسعه درون‌زای روستایی، یک ضرورت است و اکثر کشورها نیز در فرآیند توسعه روستایی به این مقوله پرداخته‌اند. شایان توجه است که ایجاد مؤسسات اعتباری و مالی خصوصی در مناطق روستایی آن چنانکه در شهرها رایج است، از توجیه اقتصادی و بازدهی مناسب برخوردار نیست؛ در حالی که در فرآیند تحول ساختار اقتصادی مناطق روستایی از اقتصاد معیشتی - مبادلاتی به اقتصاد بازار، عامل سرمایه و نهادهای مالی و اعتباری نقش اساسی دارند. بنابراین ضرورت ایجاد مؤسسات اعتباری غیر دولتی روستایی در

1 - Micro Finances.

کشورهای در حال توسعه کاملاً روشن است، ولی نیازمند حمایت‌های اولیه دولت برای استقرار و شکل‌گیری هستند.

۲. رویکردهای تأمین مالی در مناطق روستایی

به‌طور کلی می‌توان رویکردهای تجارب مربوط به تأمین مالی روستایی در جهان را به دو دسته تقسیم کرد (ایران‌شاهی، ۱۳۸۰، ص ۲۷):

۲-۱. رویکرد سنتی تأمین مالی روستایی

رویکرد سنتی معمولاً بیانگر سطح بالایی از مداخله دولت به‌شکل تسهیلات اعتباری هدفمند از طریق مؤسسات مالی روستایی دولتی و تحت مدیریت دولت است. این مؤسسات، دریافت‌کننده وام‌های ترجیحی و وام‌دهی به مشتریان با نرخهای بهره پایین‌تر از نرخ بازار هستند. استراتژی‌های سنتی معمولاً هدفهای کوتاه‌مدت برای دستیابی به منافع تولید کشاورزی را به‌جای هدفهای بلندمدت جهت گسترش پایدار درآمد روستایی دنبال می‌کنند. از جمله ویژگی‌های این رویکرد عبارتند از:

الف. یارانه‌ها به‌شکل نرخهای وام‌دهی ترجیحی و سقف مبلغ وام اعطایی (به‌منظور جبران عدم بازپرداخت‌های احتمالی)، بیشتر شامل حال کشاورزان ثروتمند و متنفذ می‌شود و در نتیجه دسترسی فقرا به اعتبارات را کاهش می‌دهد.

ب. در این رویکرد معمولاً هدفهای کوتاه‌مدت برای دستیابی به منافع تولید کشاورزی به‌جای هدفهای بلندمدت برای گسترش پایدار درآمد روستایی دنبال می‌شود.

ج. تسهیلات اعتباری کشاورزی یارانه‌ای، در برخی مواقع باعث ناکارآمدی تولید می‌شود و در مواردی نیز در نتیجه تشویق تکنولوژی کشاورزی بیش از حد سرمایه‌بر و اعطای وام‌های با بهره پایین باعث جابجایی نیروهای کار کشاورزی و افزایش بیکاری روستایی می‌شود. در نقطه مقابل این رویکرد ناکارآمدی و سنتی، رویکرد جدید بر هدفهای اولیه توسعه روستایی متمرکز شده است.

۲-۲. رویکرد جدید تأمین مالی روستایی

رویکرد جدید بر هدفهای اولیه توسعه همه‌جانبه یعنی گسترش درآمد و کاهش فقر

متمرکز است؛ به عبارت دیگر براساس اقتصاد دانایی محور^۱ است. رویکرد جدید نشان داده است که فراهم کردن تأمین مالی روستایی همیشه بهترین روش هزینه - کارآیی دستیابی به این اهداف نیست. واسطه‌گری مالی روستایی کارآمد می‌تواند در کنار اقدامات دولتی دیگر، نظیر افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساختهای روستایی و توسعه انسانی به کار گرفته شود. عواملی که در رویکرد جدید تأمین مالی روستایی مورد توجه هستند عبارتند از:

الف. افزایش درآمد روستانشینان یا کشاورزان^۲؛ ب. شناسایی و ارزیابی ناکارآمدی‌های بازارهای مالی روستایی؛ ج. کاهش فقر؛ د. ایجاد محیط سیاستی مناسب برای واسطه‌گری‌های روستایی؛ ه. ایجاد محیط اقتصاد کلان مطلوب از طریق اجتناب از انحرافهای متعدد در متغیرهای کلیدی اقتصاد کلان مطلوب از اصلاح سیاستهای متعصبانه در برابر توسعه روستایی و کشاورزی و ز. توسعه بازارهای مالی کارآمد.

رویکرد سنتی به وسیله نقش فعال مستقیم دولت از طریق مداخلات، جهت تهیه اعتبارات ارزان کشاورزی نمایان می‌شود. درحالی‌که در رویکرد جدید، نقش محدودتر ولی بازارگرایانه‌ای برای دولت تعریف می‌شود و تمرکز بر ایجاد یک محیط سیاستی مطلوب و چارچوب قانونی و مقرراتی مناسب جهت حمایت از واسطه‌گری مالی روستایی دارد. سطح و شکل مناسب مداخله دولت همچنان موضوعی مورد بحث و جدل است. پیگیری مداخلات مستقیم دولتی برای گسترش درآمد تنها زمانی توجیه‌پذیر است که ناکارایی مشخص بازار بتواند به صورت هزینه - کارآیی بهبود یابد (یارون و...، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱).

۳. نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی

در گذشته مانع اصلی توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه نیافته را کمبود سرمایه می‌دانستند. به این ترتیب، کشورها در دور باطل توسعه هیچ راهی جز تزریق سرمایه

۱ - منظور از اقتصاد دانایی محور این است که برای توسعه بخش کشاورزی قبل از اینکه به محصولات کشاورزی و کارآیی آن توجه شود، می‌بایست به شرایط اقتصادی کشاورز (زارع) توجه شود.

۲ - معمولاً در اکثر کشورهای در حال توسعه سهم بالایی از روستانشینان فعالیت کشاورزی دارند.

و ثروت برای خروج از آن نداشتند. اما نگرش امروز وجود سرمایه را یک شرط لازم برای توسعه و نه شرط کافی می‌داند، چراکه بسیاری از کشورهای پیشرفته کنونی که خود دارای منابع طبیعی، ثروتهای خدادادی و سرمایه اندکی بوده‌اند، توانسته‌اند به مراحل توسعه و پیشرفت نائل شوند. بر این اساس یکی از راهکارهای مناسب برای رسیدن به توسعه و پیشرفت فنی و اقتصادی به‌کارگیری سیستمهای مالی کارآ جهت به‌جریان انداختن سرمایه‌های راکد در جامعه است، زیرا کارکرد اساسی سیستمهای مالی یعنی گردآوری پس‌اندازها از منابع متنوع و هدایت آنها به سرمایه‌گذاریهای تولیدی و مولد (و نه صرفاً درآمدزا)، ضمن روان ساختن مبادلات کالاها و خدمات باعث کاهش ریسک هزینه‌های تأمین سرمایه از دو مجرای تراکم سرمایه و نوع‌آوری‌های فنی می‌شود و در نتیجه آثار قابل توجهی را در ایجاد فرصتهای جدید شغلی و افزایش ظرفیتهای درآمدی جامعه می‌گذارد.

از طرف دیگر تجربه عملکرد بنگاه‌های مالی نشان از توجه بیشتر به بازارهای مالی مناطق شهری نسبت به بازارهای مالی روستایی است، و دلیل عمده چنین حالتی، درآمد پایین و فقر گسترده در مناطق روستایی ذکر شده است. به‌طوری‌که امروزه در بسیاری از کشورهای درحال توسعه که دارای جمعیتی فقیر و روستایی می‌باشند، به مسئله اعتبارات خرد و نهادهای مالی خرد، به‌عنوان مناسب‌ترین روش و رویکرد، جهت کاهش فقر توجه خاصی می‌شود.

قشرهای بسیار تهیدست در کشورهای در حال توسعه برای افزایش سطح تولید و بهبود بخشیدن به سطح زندگی خود، منابع مالی لازم را در اختیار ندارند؛ بنابراین اعتبارات خرد و کوچک یکی از راه‌های از میان برداشتن این مانع است. در مجموع می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین چالشهای توسعه روستایی، کمبود پس‌انداز و اعتبارات است و این خود عاملی برای سرمایه‌گذاری اندک در روستاها می‌باشد. از آنجا که سرمایه‌گذاری مهم‌ترین رکن توسعه است، می‌توان پذیرفت که کمبود سرمایه‌گذاری در روستاها، مهم‌ترین دلیل عدم توسعه روستاهاست. در این حالت می‌توان به نقش به‌سزای اعتبارات خرد در توسعه روستاها پی برد.

۴. ضرورت ایجاد بانک و مؤسسات مالی خرد روستایی

تشکیلات و سازمانهای غیر رسمی و محلی، سرمایه زیادی برای اعطای وام ندارند؛ بنابراین قادر به تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های پرهزینه نیستند و همیشه وام خود را به مناطق محلی و با تعداد کمی از قرض‌گیرندگان، محدود می‌کنند. این امر ریسک ناشی از بازپرداخت وام مشتریانی را که به علت به وجود آمدن حوادث دچار مشکل می‌شوند افزایش می‌دهد. با این حال وام‌دهندگان غیر رسمی برای به حساب آوردن این ریسک مجبورند نرخهای بالایی را برای وامهایی که از ضروریات زندگی است در نظر بگیرند و این باعث می‌شود که قرض‌گیرندگان در دام فقر گرفتار شوند.

در مناطق کشاورزی و زراعتی، بلایای طبیعی وام‌دهنده و وام‌گیرنده را متحمل خسارت می‌کند و گرفتن اعتبار را فقط در مواقع لازم و ضروری و با سختی مواجه می‌سازد. مردم روستایی و فقرا همیشه به سازمانهای اعتباری غیر رسمی نیاز خواهند داشت؛ اما این برای آنها کافی نیست. در نتیجه روستاییان به ترکیب دو سیستم اعطای وام و پس‌انداز نیاز دارند تا بتوانند به آنها در رفع نیازها کمک کند.

علاوه بر این مؤسساتی نظیر گرامین بانک، برنامه‌های آموزشی و سوادآموزی ارائه می‌دهند که می‌تواند وام گرفته شده توسط فرد را مفیدتر سازد. اما این مؤسسات اغلب به این علت که فرضیه و تصوره‌های قدیمی در رابطه با وام‌دادن را رد کرده‌اند، موفق هستند. به عنوان مثال این مؤسسات جایگزینی برای وثیقه پیدا کرده‌اند، به طوری که به مردم در پس‌انداز کردن کمک می‌کنند، در نتیجه مردم تنگ‌دست می‌توانند اعتماد به نفس کافی برای قرض‌گرفتن پیدا کنند و مهم‌تر از آن اینکه هیچ‌گونه واهمه‌ای برای بازپرداخت آن ندارند. به طوری که در فصل گذشته گفته شد، شرط وثیقه‌گذاری وام‌گیرندگان به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع اعطای اعتبار به مشتریان تلقی می‌شود و از آنجا که تمرکز ثروت در میان روستاییان کمتر است، این موضوع شدت بیشتری می‌یابد. مؤسساتی نظیر گرامین بانک بنگلادش با ارائه راهکارهایی نظیر اعطای وام به صورت گروهی تا حد زیادی این مانع را برطرف ساخته‌اند.

۵. شیوه‌های اجرایی بانکداری فقرا

گرامین بانک شیوه بانکداری سنتی را با از میان بردن نیاز به وثیقه دگرگون کرده است و یک سیستم بانکداری بر پایه اعتماد و اطمینان دوطرفه، پاسخ‌گویی، مشارکت و خلاقیت به وجود آورده است. این مؤسسه تسهیلات اعتباری را بدون دریافت وثیقه برای فقیرترین مردم در بین فقرای روستاهای بنگلادش فراهم می‌آورد. در این بانک اعطای تسهیلات اعتباری یک سلاح اقتصادی در برابر فقر محسوب می‌شود و به‌عنوان یک کاتالیزور در توسعه همه جانبه اقتصادی - اجتماعی به‌منظور بهره‌مندی افراد نیازمندی که از حیطة خدمات بانکداری دور نگه داشته شده‌اند، عمل می‌کند.

گزارشها نشان می‌دهد گرامین تا سپتامبر ۲۰۰۲ به دومیلیون و چهارصد هزار نفر وام پرداخت کرده است که ۹۵ درصد این ترکیب را زنان تشکیل می‌دهند (فرهنگ آشتی، ۱۳۸۲، ص ۷). تأثیر مثبت اقدامات گرامین برای کمک به وام‌گیرندگان فقیر با مطالعات و تحقیقات انجام گرفته توسط مؤسسات خارجی نظیر بانک جهانی، مؤسسه تحقیقاتی و سیاست‌گذاری مواد غذایی^۱ و مؤسسه مطالعات و تحقیقات بنگلادش به اثبات رسیده است.

به‌عنوان مثال صرف مبلغ ۲۰ دلار به‌عنوان هزینه‌های اداری در اعطای یک وام ۱۷ دلاری غیر اقتصادی است. یعنی متحمل شدن این هزینه‌ها که وام‌دهنده را در مقابل قصور در پرداخت مشتری حمایت می‌کنند ممکن است ضرورتی نداشته باشد. اما در روش گرامین بانک وام‌دهندگان محلی می‌دانند چه کسانی دارای اعتبار هستند و چه کسانی نیستند. بنابراین نیازی به درخواست وثیقه ندارند و از تشریفات اداری تا حد زیادی جلوگیری می‌کنند. یک راه دیگر که از درخواست وثیقه جلوگیری می‌کند، وام دادن به یک گروه است نه فرد؛ در این صورت زمانی که فردی در بازپرداخت قسط وام خود قصور می‌کند، سایر افراد متحمل ضرر می‌شوند و با گروه یا فرد قصورکننده برخورد خواهند کرد.

وام‌دهندگان می‌توانند تا حد امکان تشریفات اداری را حذف کنند و این در صورتی

است که مجبور نباشند علت دریافت وام را از وام‌گیرندگان سؤال کنند. این یک بخش دیگری است که در آن فرضیه‌های قدیمی در رابطه با اعطای وام زیر سؤال برده می‌شود. به طوری که در گذشته افراد تصور می‌کردند که اعطای وام فقط به سرمایه‌گذاری‌های تولیدی اختصاص دارد؛ اما تحقیقات نشان می‌دهد که احتمال بازپرداخت وامهایی که به منظور مصرف گرفته می‌شوند بیشتر است و این نوع وامها در واقع یک سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند.

۶. دلایل موفقیت سایر کشورها در زمینه نهادهای مالی خرد

از اواخر دهه ۱۹۸۰ نهادهای مالی خرد به عنوان یکی از راهکارهای مناسب و مؤثر جهت توسعه مالی، در برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه، از جایگاهی ویژه برخوردار شد و تعداد این نهادها به شدت افزایش یافت. این برنامه‌ها به دلیل ایجاد تسهیلات و خدمات مالی مناسب برای گروه‌های فقیر جامعه امکان توزیع مجدد درآمدها و افزایش خود اشتغالی و به تبع آن افزایش تولید، درآمد و کاهش بیکاری را فراهم نمود. در زیر به تجربه برخی کشورها در این زمینه پرداخته می‌شود:

۱-۶. تجربه بنگلادش به عنوان کشوری پیشرو

بنگلادش را می‌توان خاستگاه تأمین مالی خرد دانست. فراهم‌کنندگان منابع مالی و مؤسسات تأمین مالی خرد بنگلادش در اعطای ترکیبات مالی متنوع به فقرا زبانزد همگان هستند. موفقیت گرامین بانک و وجود تعداد زیادی سازمان غیر دولتی که بعد از استقلال این کشور در سال ۱۹۷۱ شکل گرفتند و تأکید سازمانهای غیر دولتی برای وابستگی کمتر به منابع اهدایی، در این موفقیت سهم به‌سزایی داشته است.

برای ارزیابی میزان عملکرد و کیفیت خدمات‌رسانی مالی مؤسسات تأمین مالی خرد در بنگلادش، هفت نمونه از آنها به صورت زیر در نظر گرفته شدند که عبارتند از: الف. گرامین بانک^۱؛ ب. کمیته توسعه روستایی بنگلادش^۲؛ ج. پروژه توسعه

1 - Grameen Bank.

2 - BRAC.

روستایی ۱۲^۱؛ د. سازمان نوسازی بنگلادش^۲؛ ه. بنیاد شاکتی^۳؛ و. خدمات روستایی رانچپور دنیاچپور^۴ و ز. طرح توسعه سیستمهای کشاورزی حاشیه‌ای و خرد^۵.

به استثنای پروژه‌های دولتی «کمیته توسعه روستایی بنگلادش» و، «پروژه توسعه روستایی ۱۲» تنها در دو مورد از پنج مؤسسه مذکور (ASA و بنیاد شاکتی) اعضای هیئت مدیره نقش بسیار مهمی در سیاست‌گذاری‌ها بر عهده دارند. هرچند که «کمیته توسعه روستایی بنگلادش» و «سازمان نوسازی بنگلادش» و «گرامین بانک» بدنه دولتی دارند، ولی دولت در امور سازمان‌دهی آنها نقش فعالی بر عهده ندارد.

در همه برنامه‌ها و به‌ویژه برنامه‌های گرامین بانک، مشتریان به گروه‌هایی با تعداد حداقل ۱۰ نفر سازمان‌دهی می‌شوند که معمولاً اعضای گروه‌ها بر حسب معیارهایی همانند همگن بودن از نظر وضعیت اقتصادی، داشتن سلامت فیزیکی، داشتن یک سرپناه و قرار داشتن در یک محدوده سنی معین (نه خیلی پیر نه خیلی جوان) انتخاب شده‌اند. معمولاً همه گروه‌ها در همه برنامه‌ها، انتخابات رسمی دارند که این عمل منافع همه اعضا را تأمین می‌کند. اعضای این مؤسسات را افراد فقیر نیازمند تشکیل می‌دهند. به طوری که طبق آمار تنها ۱۰ درصد اعضا را افراد غیر فقیر (متوسط یا ثروتمند) تشکیل می‌دهند.

همچنین زنان بیشترین سهم را از تعداد مشتریان این مؤسسات دارند. تجربه نشان داده است که تقاضای وام بیشتر از ظرفیت وجوه موجود است. یکی از خدمات ویژه این مؤسسات وامهای کوچکی است که به گروه‌های فقیر داده می‌شود و باز پرداخت آن به صورت قسطهای هفتگی در طول بیش از

- 1 - 12- RDP.
- 2 - BURO-Tangail.
- 3 - Shakti Foundation.
- 4 - RDRS.
- 5 - MSFSCIP.

یکسال است. شروع اولیه فعالیتهای مؤسسات تأمین مالی خرد در بنگلادش با استفاده از اعتبارات اهدایی بین‌المللی بود ولی به‌مرور منابع داخلی جایگزین این اعتبارات شدند. به‌طوری که گرامین بانک به‌عنوان یک بانک رسمی توانسته است با استفاده از انتشار اوراق قرضه مقداری از منابع مالی خود را تأمین کند.

به‌طورکلی، اندازه وامهای اهدایی توسط نهادهای مالی خرد بسیار کوچک است. به‌عنوان نمونه ASA، هیچ وامی بیشتر از ۱۷۵ دلار نمی‌دهد و نیز بازپرداخت به‌صورت هفتگی است، که در چارچوب توان درآمدی اغلب وام‌گیرندگان است.

هدف اصلی این مؤسسات بهبود شرایط فقرای روستایی از راه فراهم کردن دسترسی آنها به اعتبارات، پس‌اندازها، تسهیلات و برخی برنامه‌های اجتماعی غیر مالی بوده است. تمرکز اصلی این مؤسسات و به‌ویژه گرامین روی پایین‌ترین طبقات اجتماعی است و به‌دلیل درآمد پایین مشتریان و دسترسی نداشتن به وثیقه سنتی، وام‌دهی تنها از طریق گروه‌های با تعهد مشترک، ملزم به پس‌انداز اجباری صورت گرفته است. سازوکار پرداختها گروهی است تا شعب نسبت به بازپرداخت اعتبار خود اطمینان حاصل نمایند.

گرامین بانک نرخ بهره نسبتاً بالایی روی حجم پرتفوی وام‌هایش (۲۰ درصد و بیشتر) دریافت می‌کند. تا از این طریق وابستگی به یارانه‌اش کمتر شود. ارزیابی کفایت نرخ بهره وام‌دهی معمولاً روش مؤثری برای کاهش وابستگی به یارانه برای یک مؤسسه مالی روستایی (خرد) است. چنین افزایشی (وقتی تقاضای وام را کم نکند یا تأثیر معکوسی روی وصول نداشته باشد) معمولاً ناشی از گسترش دامنه فعالیت بهتر است. چون منابع کمیاب در اختیار گروه وسیع‌تری از مشتریان خواهد بود.

به‌هرحال توانایی این بانک برای غلبه بر محدودیتهای مالی از راه تکمیل و اجرای سیاستهای ابداعی و روشهای عملیاتی، درسهای فوق‌العاده گران‌بهایی برای طراحی پروژه‌های مالی روستایی آینده ارائه می‌دهد. اصول راهنما را می‌توان از عملیات گرامین بانک و سایر مؤسسات همانند استنباط کرد ولی باید در به‌کارگیری عین

عملیات آنها در کشورهای دیگر مواظب بود. چراکه راه حل مناسب در یک محیط اقتصادی، اجتماعی ضرورتاً در محیط دیگر مناسب نخواهد بود. همچنین سطوح درآمدی و فعالیتهای درآمدزای مشتریان هدف، تا اندازه زیادی مؤثر بودن روشهای عملیاتی خاص را تعیین می‌کنند. مهم‌ترین ویژگی‌های گرامین بانک عبارتند از: الف. افزایش تجهیز پس‌اندازها و کاهش وابستگی به منابع کمک‌دهنده؛ ب. نرخهای بهره وام‌دهی حقیقی و مثبت؛ ج. ابداع شبکه‌های توزیع کم‌هزینه؛ د. استقلال مدیریتی در تدوین سیاستهای عملیاتی؛ هـ. نظارت دقیق بر عملکرد وام و نرخهای بازپرداختی (وصولی) بالای وام؛ و. ایجاد پس‌اندازهای روستایی خویش‌فرما؛ ز. هزینه‌های اداری نسبتاً پایین و غیر فزاینده؛ ح. توسعه بخشیدن به خدمات مالی در مناطق محروم و ...

هر مؤسسه مالی و اعتباری خرد تازه تأسیس، باید این اصول را به‌عنوان راهنما مدنظر قرار دهد نه اینکه اصل آن را اجرا کند؛ چراکه اصولاً اجرای یک برنامه با توجه به ساختارهای مختلف جوامع، برای تمامی جوامع دیگر غیر ممکن و بیهوده است.

۲-۶. تجربه مالزی

مالزی یکی از کشورهای جنوب شرق آسیاست که به آن معجزه آسیایی^۱ نیز می‌گویند. در این کشور قبل از اجرای برنامه‌های فقرزدایی، فقر در مناطق روستایی به‌طور گسترده‌ای نسبت به مناطق شهری وجود داشت، اما در نتیجه اجرای برنامه‌های جدید اقتصادی در این کشور، طی سالهای ۱۹۸۵-۱۹۹۵، میزان جمعیت فقیر از ۴۵ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافت. در اینجا عملکرد سه سازمان غیر دولتی تأمین مالی خرد مالزی را به‌طور اجمال بررسی می‌کنیم.

الف. AIM^۲: به‌عنوان طرحی در شمال غربی ایالت سلانگور^۳ جهت آزمون اثربخشی رویکرد گرامین بانک در کاهش فقر مناطق روستایی مالزی آغاز به کار کرد.

1 - Asian Miracle.

2 - Amanad Inkhtiar Malaysia.

3 - Selangor.

ب. YUM^۱ در سال ۱۹۹۸ به تقلید از روش گرامین بانک در منطقه صباح از طریق برنامه یوساهاماجو^۲ ایجاد شد.

ج. KKR^۳: یکی دیگر از منابع تأمین مالی خرد، اتحادیه‌های اعتباری هستند. یکی از این اتحادیه‌های اعتباری، انجمن تعاونی اعتباری مردم^۴ است. KKR در ابتدا به‌عنوان کلوب اجتماعی جوانان آغاز به کار کرد و سپس در سال ۱۹۷۵، به‌عنوان یک تعاونی اعتباری به ثبت رسید.

AIM بزرگ‌ترین مؤسسه تأمین مالی خرد با هدف فقرزدایی در مالزی است. به‌طوری‌که تقریباً در سال ۱۹۹۵، حدود ۵۰ درصد افراد نیازمند مالزی، مشتری AIM بوده‌اند. تا پایان دسامبر ۱۹۹۵، AIM بزرگ‌ترین پرتفوی دارایی‌ها همراه با وام‌های معوقه‌ای به میزان ۹/۳ میلیون دلار را دارا بوده است. به‌طوری‌که اندازه متوسط وام AIM در سال ۱۹۹۵ (۲۳۵ دلار به ازای هر مشتری) بسیار بیشتر از YUM و KKR بوده است. دو عامل مهم در گسترش اعطای تسهیلات مالی به فقرا توسط AIM عبارتند از: الف. حمایت‌های قابل ملاحظه و تأمین مالی دولت؛ ب. استفاده از راهنمایی‌های کاربردی گرامین بانک بنگلادش.

نظام ارائه اعتبار AIM و YUM از گرامین بانک گرفته شده است. در این نظام مشتریان به گروه‌های کوچک با ۵ عضو تقسیم شده‌اند و هر گروه یک مرکز را تشکیل می‌دهد. مرکز در هفته، یک‌بار جلسه‌ای برگزار می‌کند که در آن وام‌های پیشنهادی، نحوه هزینه کردن آنها، نظارت بر وام‌گیرندگان و مسائل خرد و رفاه عمومی اعضا مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین وام به دو نفر از اعضای گروه تعلق می‌گیرد و دو نفر بعدی وام‌های خود را پس از هشت هفته از بازپرداخت کامل هفتگی توسط دو وام‌گیرنده اولی، دریافت خواهند کرد. رئیس گروه نیز هشت هفته پس از

- 1 - Yayasan Usha maju.
- 2 - usaha maju.
- 3 - Kooperasi Kredit Rakyat.
- 4 - People's Credit Co-Operative Society.

بازپرداخت کامل وام توسط دونفر بعدی گروه، وام خود را دریافت خواهد کرد. وامها بدون وثیقه، ضامن، بهره و پیگرد قانونی اعطا می‌شود.

اکثر مؤسسات مالی خرد مالزی خودکفا نیستند، یعنی درآمدهای بهره‌ای و کارمزد وامها، بسیار کمتر از کل هزینه‌های آنهاست. به دلیل عقاید مسلمانان، AIM هیچ بهره‌ای برای وامهایش مطالبه نمی‌کند، اما کارمزدی از پیش تعیین شده، معادل ۱۰ دلار از وامهای یک دوره‌ای، معادل ۲۰ دلار از وامهای دو دوره‌ای و... می‌گیرد. AIM و YUM به میزان زیادی به وجوه اهدایی از سوی اهدا کنندگان و دولت وابسته هستند و این دلیل خوبی است که چرا این مؤسسات به خودکفایی مالی نرسیده‌اند. از آنجا که این دو مؤسسه هیچ بهره‌ای به پس‌اندازهای اعضای خود نمی‌پردازند، نمی‌توانند این وجوه را برای وام‌دهی استفاده کنند. بلکه معمولاً پس‌اندازهای اعضا را در یک بانک تجاری در حسابهای با بهره، سپرده‌گذاری می‌کنند، ولی میزان بهره دریافتی از بانکها به هیچ‌وجه برای پوشاندن هزینه‌های خدمات مالی آنها کافی نیست.

۳-۶. تجربه هندوستان، تأمین مالی بر مبنای سازمان‌دهی گروه‌های خودیاری

تا دهه ۹۰، یعنی شروع برنامه‌های اصلاحات مالی، اعتباردهی به فقرا در هندوستان به صورت یک برنامه دولتی رایج بوده که نیاز به حجم زیادی از یارانه داشت. هرچند که دیدگاه دولتی بودن اعتباردهی در میان بسیاری از سیاست‌مداران دولتی و بانکداران وجود داشت، ولی مقررات‌زدایی سیستم مالی توانست چشم‌انداز نظام مالی را به تدریج تغییر دهد. به عنوان نمونه در نتیجه آزادسازی نرخهای بهره، تعداد زیادی از بانکهای تجاری با حمایت مؤسسه ملی نبرد^۱ (بانک ملی توسعه کشاورزی و روستایی) پیوندهایی را با گروه‌های غیر رسمی خودیاری فقرا^۲ به منظور تجهیز سپرده‌های فقرا و ارائه اعتبارات به آنها با نرخهای مناسب بهره ایجاد کردند. اصلاحات مالی (برنامه‌های فقرزدایی)، بخشی از مجموعه سیاستهای تعدیل ساختاری

1 - NABARD (National Bank for Agricultural and Rural and Development).

2 - Self-Help Groups (SHG).

بود که توسط دولت هندوستان در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ با هدف شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی کشور و رفع شرایط نامساعد زندگی تعداد بسیاری از مردم آغاز شد.

به طوری که در طی سالهای گذشته دولت یارانه‌های اعتباری را به عنوان هسته اصلی فعالیتهای خود در برنامه‌های فقرزدایی به کار گرفته است. IRDP^۱ به عنوان یکی از بزرگترین برنامه‌های فقرزدایی در جهان، بیش از ۴۵ میلیون نفر را تحت پوشش قرار داده است. سه برنامه حمایتی IRDP به منظور افزایش ظرفیتهای درآمدی وام‌گیرندگان عبارتست از: الف. برنامه آموزش جوانان روستایی برای خود اشتغالی^۲؛ ب. برنامه بهبود وضعیت زنان و کودکان در مناطق روستایی^۳؛ ج. برنامه بهبود زیرساختها.

تجربه کشور هندوستان نشان می‌دهد که تشکیل مؤسسات تأمین مالی براساس شیوه‌های خودیاری، نقش به‌سزایی در کاهش هزینه‌های عملیاتی، درجه پایداری و خودکفایی مؤسسات مالی خرد دارد. از جمله دلایل این امر، جذب بیشتر پس‌اندازها توسط این مؤسسات است. گروه‌های خودیاری به مؤسسات مالی خرد این امکان را می‌دهد که امدادسانی نیز در سطح وسیع‌تری صورت گیرد.

۴-۶. تجربه نپال

نپال از فقیرترین کشورهای دنیاست. شاخص توسعه انسانی آن ۰/۳۳۲ می‌باشد که در میان ۱۷۴ کشور دنیا رتبه ۱۵۱ را داراست. شکست مؤسسات تأمین مالی خرد دولتی در این کشور در نفوذ به دهکده‌های پراکنده، فضای بسیار مناسبی را جهت رشد و شکوفایی مؤسسات غیر رسمی ایجاد کرده است. هم اکنون گروه‌های متمرکز پس‌اندازها و اعتبارات محلی^۴ در مناطق روستایی فعال هستند. به طوری که به نظر می‌رسد امدادسانی گروه‌های متمرکز پس‌اندازها و اعتبارات محلی که هیچ آماری در

1 - Integrated Rural Development Programme(HDI).

2 - Training of Rural Youth for self Employment(TRYSEM).

3 - Development of Women and Children in Rural Areas(DWCRA).

۴- گروه‌هایی که ریاست آنها به صورت دوره‌ای از بین اعضا انتخاب نمی‌شوند.

مورد آن در دسترس نیست، نسبت به سیستم رسمی گسترده‌تر باشد. از جمله مهم‌ترین برنامه‌های فقرزدایی نیپال عبارتند از: الف. برنامه توسعه و بهبود وضعیت کشاورزان خرد^۱؛ ب. IBP^۲ با ۸۵ هزار نفر وام‌گیرنده؛ ج. اعتبارات تولیدی برای زنان روستایی^۳.

از نظر شاخص خودکفایی، اکثر مؤسسات تأمین مالی خرد خودکفا نیستند. متوسط نرخ بهره وام‌های پرداختی این مؤسسات کمتر از ۱۸ درصد (یعنی کمتر از نرخ بهره گرامین بانک) است. از جمله بزرگترین مشکلات این مؤسسات در نیپال به‌قرار زیر است: الف. مقررات بانک مرکزی نیپال که تفاوت میان نرخهای بهره سپرده و وام را به ۶ درصد محدود می‌کند. (بجز بانکهای توسعه‌ای با سبک گرامین بانک و سازمانهای غیردولتی)؛ ب. رواج اعتبارات یارانه‌ای، به‌طوری‌که بانکهای تجاری مجبورند ۱۲ درصد پرتفوی وام خود را به بخشهای دارای اولویت در کشاورزی و صنعت خانه‌سازی روستایی و خدمات اختصاص دهند.

۵ - ۶. تجربه کانادا

براساس داده‌های جمع‌آوری شده از دو مؤسسه کوچک مالی (MFIs) که یکی در تورنتو و دیگری در هالیفاکس فعالیت دارد، این دو مؤسسه اطلاعات وسیعی در مورد وام‌های شخصی و گروهی درخصوص وضعیت خانوادگی افراد، وضعیت شخصی، کاری و چگونگی بازپرداخت وجود دارد. طی دوره ۱۹۹۴-۱۹۹۹ از ۱۳۸۹ وام‌گیرنده که از دو مؤسسه کانادایی وام دریافت کرده‌اند، تعداد ۹۹۵ وام به‌صورت گروهی و ۳۹۴ وام به‌صورت انفرادی بوده است. همچنین براساس این اطلاعات ۲۱/۲ درصد از وام‌گیرندگان گروهی و ۴۱/۴ درصد از وام‌گیرندگان فردی بازپرداخت وام خود را به موقع انجام نداده‌اند. وام‌های گروهی از ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار و وام‌های انفرادی از ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ دلار بوده و زمان بازپرداخت برای وام‌های گروهی ۶ تا ۲۴ ماه و برای وام‌های انفرادی حداکثر ۶۰ ماه بوده است (گومز و...، ۲۰۰۳).

- 1 - Small Farmer Development Programme(SFDP)
- 2 - Intensive Banking Programme.
- 3 - Production Credit for Rural Women(PCRW).

در ضمن نرخ سود وامها ۱۲ درصد بوده است و وامهای گروهی عمدتاً برای سرمایه در گردش و وامهای انفرادی برای سرمایه در گردش و سرمایه ثابت یا سرمایه اولیه بوده است.

تفاوتهایی در وامهای گروهی با وامهای فردی وجود دارد که عبارتند از: اکثر وامهای گروهی مربوط به زنان است. درصد مجرد بودن در وامگیرندگان گروهی نسبت به وامگیرندگان انفرادی بیشتر است، اکثر وامگیرندگان گروهی اسپانیایی هستند؛ در صورتی که وامگیرندگان انفرادی مرد و متولد کانادا می‌باشند. آنها دارای تحصیلات بالایی نسبت به وامگیرندگان انفرادی هستند. وامگیرندگان گروهی دارای درآمد و دارایی کمتری نسبت به وامگیرندگان انفرادی هستند.

۶-۶. ارزیابی مقایسه‌ای عملکرد مؤسسات اعتباری خصوصی، بانکهای روستایی و گروه‌های خودیاری

همان‌گونه که دیدیم، عملکرد مؤسسات مالی خرد در مالزی و نپال، بسیار ضعیف‌تر از عملکرد این مؤسسات در بنگلادش است. مالزی باید از تجربه سایر کشورها مانند هندوستان در مورد گروه‌های خودیاری و بنگلادش در زمینه نوآوری‌های بازار سرمایه و دسترسی به وجوه وامهای تجاری استفاده کند. به طوری که فرضاً در هندوستان، یکی از روشهای عملی تجهیز پس‌اندازها، تشویق خانوارهای فقیر به شکل‌دادن گروه‌های خودیاری است. به طوری که تجربه این کشور نشان داده است، گروه‌های خودیاری به مؤسسات تأمین مالی خرد امکان می‌دهند که امدادسانی، کارآیی و ثبات خود را افزایش دهند. آن‌دسته از مؤسسات تأمین مالی خرد که متکی به گروه‌های خودیاری می‌باشند، هزینه‌های عملیاتی پایین‌تری نسبت به سایرین دارند.

مزیت دیگر گروه‌های خودیاری این است که تأمین منابع داخلی را از طریق تجهیز پس‌اندازها امکان‌پذیر می‌سازند. بنابراین مؤسسات تأمین مالی خرد در هر کشور دارای یک ویژگی خاص است به طوری که رمز موفقیت این مؤسسات در کشور هند، تشکیل گروه‌های خودیاری و رمز موفقیت نهادهای مالی خرد بنگلادش پرداخت

وامهای کوچک با اقساط کوچک و ناچیز بدون در نظر گرفتن چگونگی مصرف وام می‌باشد. اما نکته‌ای که بسیار مهم بوده و می‌توان به‌عنوان نتیجه کلی به آن اشاره کرد: مقایسه توان بانکهای روستایی، وام‌دهندگان خصوصی و گروه‌های خودیاری از نظر قدرت جذب و تجهیز سپرده‌ها است.

با توجه به جدول ۱ می‌توان توانمندی تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری مولد میان بانک روستایی بخش دولتی و وام‌دهندگان خصوصی را مقایسه کرد. می‌توان دید که بانکهای روستایی در تجهیز پس‌اندازها خوب عمل می‌کنند؛ ولی وام‌دهندگان خصوصی این توانایی را ندارند. عکس این موضوع در مورد سرمایه‌گذاری درست است. به‌عنوان مثال مستطیل I موقعیتی را نشان می‌دهد که در آن هم تجهیز پس‌اندازها و هم تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط بانک روستایی صورت می‌گیرد. این حالت موجب افزایش پس‌اندازها ولی کیفیت ضعیف سرمایه‌گذاری می‌شود.

جدول ۱. مقایسه توانمندی سرمایه‌گذاری‌ها و پس‌انداز بانکها و وام‌دهندگان خصوصی

پس‌انداز سرمایه‌گذاری	بانک روستایی	وام‌دهندگان خصوصی
بانک روستایی	I) پس‌انداز بالا کیفیت سرمایه‌گذاری ضعیف	II) پس‌انداز ضعیف کیفیت سرمایه‌گذاری ضعیف
وام‌دهندگان خصوصی	III) پس‌انداز بالا کیفیت سرمایه‌گذاری بالا	IV) پس‌انداز ضعیف کیفیت سرمایه‌گذاری بالا

منبع: این جدول از مقایسه سه تجربه هند، بنگلادش و مالزی در امر اعتبارات خرد استخراج شده است.

مستطیل II تجهیز پس‌اندازها را به‌وسیله وام‌دهندگان خصوصی و تصمیمات سرمایه‌گذاری را به‌وسیله بانک روستایی نشان می‌دهد. این مورد بدترین حالت ممکن

است. زیرا هر دو فعالیت در پایین‌ترین سطح ممکن صورت می‌گیرند. علت آن است که وام‌دهندگان خصوصی در تجهیز پس‌اندازها و بانکها در ارائه وامهای کارآ دارای عملکرد ضعیفی هستند.

مستطیل III بهترین حالت ممکن می‌باشد که در آن بانکها پس‌اندازها را تجهیز نموده و وام‌دهی به‌منظور سرمایه‌گذاری توسط وام‌دهندگان خصوصی صورت می‌گیرد. این سیستم در اندونزی به‌کار گرفته شده است. در آنجا، وام‌دهندگان خصوصی در نهایت به برنامه‌های تأمین مالی خرد تبدیل می‌شوند، بنابراین بانکها به وام‌دهندگان خصوصی وامهایی می‌دهند که آنها هم وامها را به مصرف‌کنندگان نهایی منتقل می‌کنند. وام‌دهندگان خصوصی نرخ بهره بالاتری نسبت به نرخ پرداخت به بانک مطالبه می‌کنند، درحالی‌که ریسک عدم وصول وامها را خودشان متقبل می‌شوند (موسلی و هلم¹، ۱۹۹۶).

در نهایت در مستطیل IV وام‌دهندگان خصوصی هم پس‌اندازها را تجهیز می‌کنند و هم تصمیم به سرمایه‌گذاری می‌گیرند. این حالت موجب نرخ پایین پس‌اندازها و کارآیی بالای سرمایه‌گذاری می‌شود. بخشی از بازار اعتباری روستایی هند در مستطیل I و بخشی دیگر در مستطیل IV قرار دارد. حرکت مطلوب و بهینه، حرکت به‌سمت مستطیل III می‌باشد. همانند بانکهایی که با تعهد مشترک بازپرداخت، کار وام‌دهی را به گروه‌های خودیاری واگذار می‌کنند که نتیجه‌ای عالی دارد.

شواهد نشان می‌دهد که با ظهور مؤسسات تأمین مالی خرد، هم پس‌اندازها و هم سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. از آنجا که این مؤسسات پس‌اندازها را تجهیز می‌کنند و آنها را به‌صورت اعتبارات و وام به مردم واگذار می‌کنند، میزان سرمایه‌گذاری مناطق روستایی را افزایش می‌دهند. راه حل مشکل محدودیتهای اعتباری در روستاها، نوآوری در طراحی نهادها و مؤسسات به‌جای افزایش منابع است. زیرا مشکل در نحوه ارائه اعتبارات است و نه حجم پس‌اندازها. در این راستا مؤسساتی مانند گروه‌های خودیاری می‌توانند بسیار مفید باشند. گروه‌های خودیاری تشکیلی از مردمان

فقیر هستند که به‌طور گروهی پس‌انداز کرده و وام می‌گیرند، که نرخهای بالای بازپرداخت وامها لازمه نظارت دقیق بر آنها است.

جدول ۲. مقایسه توانمندی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بانکها و گروه‌های خودیاری

گروه‌های خودیاری	بانک روستایی	پس‌انداز	سرمایه‌گذاری
پس‌انداز بالا	I) پس‌انداز بالا	بانک روستایی	کیفیت سرمایه‌گذاری ضعیف
پس‌انداز بالا	II) پس‌انداز بالا	گروه‌های خودیاری	کیفیت سرمایه‌گذاری بالا
کیفیت سرمایه‌گذاری ضعیف	III) پس‌انداز بالا		
کیفیت سرمایه‌گذاری بالا	IV) پس‌انداز بالا		

منبع: همان منبع جدول ۱.

جدول ۲ یک نوآوری سیاستی است؛ چراکه به‌جای وام‌دهندگان خصوصی، گروه‌های خودیاری را جایگزین کرده‌ایم. این حرکت یک بهینه پارتو است. زیرا اکنون پس‌اندازهای بیشتر و سرمایه‌گذاری کارآتری داریم. در اینجا نیز حرکت بهینه، حرکت به سمت مستطیل III است و پس‌اندازها توسط بانکها تجهیز می‌شوند. ولی تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط گروه‌های خودیاری گرفته می‌شود. این‌حالت، پس‌اندازها را افزایش و کیفیت سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد. محدودیت اصلی در فعالیتهای اقتصادی روستایی، محدودیت اعتباری می‌باشد. این محدودیت موجب ظهور مؤسسات تأمین مالی خرد می‌شود. بانکهای روستایی بخش دولتی، حجم بزرگی از پس‌اندازها را تجهیز می‌کنند ولی به‌دلیل نرخهای پایین بهره و نرخهای نکول (عدم بازپرداخت وامها)، به‌همان میزان وام نمی‌توانند پرداخت کنند. درحالی‌که مؤسسات تأمین مالی خرد با تکیه بر گروه‌های خودیاری مشکل نرخهای بالای نکول را حل می‌کنند.

۷. ارزیابی عملکرد اعتبارات خرد در بخش روستایی ایران

سامان‌دهی نهادهای مالی و اعتباری در جهت اهداف توسعه درون‌زای روستایی یکی از ضرورت‌های برنامه‌های توسعه در کشور می‌باشد. این نکته شایان توجه است که

ایجاد مؤسسات اعتباری و مالی در مناطق روستایی مانند آنچه در شهرها رایج است از توجیه اقتصادی و بازدهی مناسب برخوردار نیست و لذا کسی اقدام به این امر نمی‌نماید. در راستای تحول ساختار اقتصادی مناطق روستایی از اقتصاد معیشتی - مبادلاتی به اقتصاد بازار، عامل سرمایه و به‌تبع آن نهادهای مالی و اعتباری نقش اساسی دارند.

ضرورت توسعه و عمران روستاها و کاهش نابرابری‌های موجود بین شهرها و روستاها از اهداف مهم انقلاب اسلامی می‌باشد. تحول بایسته‌ای در این بخش ایجاد نشده و ساختار اقتصادی روستاها هنوز به‌صورت اقتصاد معیشتی یا حداکثر اقتصاد معیشتی - مبادلاتی است و فاصله زیادی با اقتصاد بازار و تولید انبوه دارد. در این راستا توجه به عامل سرمایه که جزء جدایی‌ناپذیر اقتصاد بازار به‌حساب می‌آید، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. بازارهای سلف خرید روستاییان که به‌طور عمده به دو دلیل دسترسی به سرمایه مورد نیاز و جاری و همچنین مداوم کردن درآمد فعلی و فصلی روستاییان صورت می‌گیرد، نمونه‌ای از این اهمیت و حرکت به‌سمت ایجاد بازارهای مالی و اعتباری می‌باشد. در کنار این بازار، بازار غیر رسمی (نزول‌خواران) که تقریباً در همه روستاهای ایران وجود دارند نیز اهمیت موضوع سرمایه را آشکار می‌سازد. نهادهای مالی و اعتباری چون صندوقهای قرض‌الحسنه، شرکتهای اعتباری کوچک و... که وارد این عرصه شده‌اند، به‌طور عمده به‌دلیل عدم هماهنگی آنها با بازار تولید روستایی، ناکارآمد مانده‌اند. از سوی دیگر طرحهای توسعه و عمران با ماهیت اقتصادی که از طریق مطالعات در تحقق اهداف توسعه روستایی ضروری تشخیص داده می‌شوند، به‌دلیل ضعف بنیه مالی و عدم شکل‌گیری مناسب بازار سرمایه عقیم می‌مانند و به عرصه ظهور نمی‌رسند. مردم روستاهای ایران واقعاً توان مالی مناسب ندارند که بدون حمایت‌های اعتباری، هزینه‌های پروژه‌های اقتصادی را (که برای روستاییان مفید است) پوشش دهند.

ساختار نظام مالی روستایی کشور نشان می‌دهد که این نظام متشکل از مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات اعتباری خرد در قالب دو بخش رسمی و غیر رسمی فعالیت دارد.

بخش غیر رسمی بیشتر شامل رباخواران، میدان‌داران و سلف‌خران است. در حالی که بخش رسمی، شامل بانکهای کشاورزی، صندوقهای قرض‌الحسنه کمیته امداد امام خمینی «ره» و تعاونی‌های اعتباری (به‌عنوان نهادهای نیمه دولتی) می‌باشد. بررسی عملکرد کلان این نهادها در نظام مالی روستایی حاکی از وجود یک وضعیت نامناسب در توزیع اعتبارات و منابع مالی از یک طرف و عدم کارآیی لازم در تجهیز منابع خرد به نام خود از طرف دیگر دارد.

براین اساس مهم‌ترین تنگناها و محدودیتهایی که موجب چالش در فرآیند گسترش اعتبارات روستایی و ایجاد محدودیت در دسترسی روستاییان به اعتبارات مورد نیاز می‌شود عبارتند از (طالب، ۱۳۷۲، ص ۲۶) :

الف. ناکافی بودن حجم اعتبارات و محدودیت بازار عرضه وام و اعتبارات؛ ب. تشریفات دست و پاگیر و طولانی بودن فرآیند اخذ وام به‌ویژه از منابع رسمی همانند بانکها (فرضاً بانک کشاورزی)؛ ج. زمان‌بندی نامناسب بازپرداخت وام (عدم توجه به فصلی بودن درآمد روستاییان)؛ د. ضرورت ارائه وثیقه‌های سنگین برای گرفتن وام از هر منبع رسمی و غیر رسمی؛ ه. نامناسب بودن نهادهای وام‌دهنده روستایی و محدودیت دامنه عملکرد آنها؛ و. کم‌سواد و بی‌سوادی وام‌گیرندگان روستایی و در نتیجه عدم آگاهی این افراد از شرایط دریافت و بازپرداخت وام؛ ز. نوسانات شدید نرخ بهره (به‌ویژه در مورد منابع غیر رسمی) و مداخله دولت در زمینه تعیین نرخ بهره توسط منابع رسمی و ح. تبعیضهای وام‌دهندگان (رسمی و غیر رسمی) نسبت به زنان و...

به‌هرحال سامان‌دهی نظام مالی روستایی کشور نیازمند توجه به این مشکلات است. بعضی از چالشها مربوط به نهادهای مالی و برخی دیگر مربوط به استفاده‌کنندگان از این نهادهای مالی (روستاییان) می‌شود. در واقع برای داشتن یک بازار مالی روستایی قوی، اصلاح و بهبود در هر دو طرف قضیه لازم و ضروری است. فقط با داشتن نهادهای مالی روستایی قوی بدون زیرساختها و زمینه‌های ذکر شده نمی‌توان انتظار بهبود شرایط روستاها، زندگی روستاییان و... را داشت.

۸. ضعفهای ساختاری بازارهای مالی روستایی ایران

از جمله مهم‌ترین ضعفهای بازارهای مالی روستایی ایران مدیریت ضعیف، مشکلات مربوط به قوانین و مقررات بازارهای مالی روستایی، محیط سیاستی نامناسب و... است که در زیر دربارهٔ هر یک توضیحاتی ارائه می‌شود.

به‌طور کلی مردم مناطق روستایی از مناطق شهری فقیرترند. آنها به‌طور عموم در کشاورزی یا فعالیتهای مرتبط به کشاورزی مشغول کارند و در مناطق با تراکم جمعیت پایین زندگی می‌کنند. این ویژگی‌ها به مشکلات زیر در واسطه‌گری مالی روستایی منجر می‌شود (سازمان مدیریت، ۱۳۷۹، ص ۹۱):

الف. تراکم پایین جمعیت، و امها به‌طور متوسط کوچک و پس‌اندازهای اندک خانوار باعث افزایش هزینه معاملات می‌شود؛ ب. بیشتر مشتریان روستایی فاقد شکلهای سنتی وثیقه هستند؛ ج. ارتباط ضعیف و نبود ارتباط کامل با سایر بازارها باعث افزایش تعداد بازارهای انفرادی و موانع اطلاعاتی شده و تنوع‌گرایی ریسک نیز محدود می‌شود و د. فصلی بودن چرخهٔ تجاری کشاورزی روستایی و احتمال زیاد تغییرات هم‌زمان شوکهای درآمدی و قیمتی تولید.

در بسیاری از موارد، نقص در قوانین و مقررات، نهادهای بخش رسمی را از رسانیدن اعتبار به کشاورزان و پیشه‌وران روستایی باز می‌دارد. بسیاری از این مشکلات قانونی و مقرراتی دشواری‌های منطقه‌ای اعتبار روستایی را شدت می‌بخشد. یکی از مشکلات قانونی، داشتن وثیقه است. درحالی‌که روستاییان وثیقه کافی ندارند و بانکها نیز اعتقاد دارند که بازارهای مالی روستایی دارای ریسک بالا و سودآوری پایین هستند بنابراین، بانکهای تجاری بیشتر اوقات از خدمت‌رسانی به مناطق روستایی خودداری می‌کنند. در نتیجه تنها خدمات مالی توسط بخش غیررسمی فراهم شده است که آن هم دامنه محدودی دارد. بنابراین، بازارهای مالی روستایی به محیط مناسبی برای توسعه نیازمندند. این محیط مناسب شامل تشکیل شرایط مناسب اقتصاد کلان، اصلاح سیاستهای مغایر با توسعهٔ بخش کشاورزی و بخش روستایی و تشکیل بازارهای مالی جامع و کارآمد است. به‌طوری‌که معیارهای اصلی مورد نیاز

برای ایجاد یک محیط سیاستی مناسب عبارتند از: الف. ایجاد ثبات در اقتصاد کلان و کاهش انحرافات آن؛ ب. توسعه بازارهای مالی رقابتی، متحد و شفاف؛ و ج. تمایل شهری‌گرایانه در قیمت‌گذاری، سیاستهای تجاری و تخصیص بودجه.

مؤسسات مالی روستایی به دلیل سیاستهای ناکارآ، تنها به بخش کوچکی از بازار هدف دست یافته‌اند. ثروتمندان و افراد دارای ارتباطات سیاسی بهره‌برداران اصلی بیشتر برنامه‌های اعتباری‌اند. نرخهای بهره یارانه‌ای، رفتار رانت‌جویی را تشویق و در نتیجه مزایای سرمایه‌های ارزان، به ندرت به مشتریان فقیرتر می‌رسد. مدیریت ضعیف بیانگر ناتوانی بیشتر مؤسسات مالی روستایی جهت بازداشتن و جلوگیری از رفتار رانت‌جویانه است. مؤسسات مالی روستایی اغلب به‌عنوان وسیله‌ای جهت حمایت سیاست‌مدارانی به‌کار رفته است که مزیت آنها در کسب حمایت داوطلبانه به‌جای کمک به آنها، برای تأمین احتیاجات مالی جوامع روستایی فقیر است. علت اساسی این مشکلات به هم مرتبط است و نیازمند راه حل جامعی است تا بتواند موضوعات نهادی، بخشی، اقتصاد خرد و کلان را به حساب آورد.

۹. روش تحقیق

از مباحث بالا مشخص شد که نهادهای تأمین مالی روستایی ایران با سایر نهادهای تأمین مالی جهان تفاوت‌های اساسی دارند و در ضمن خلأ نهادهای تأمین مالی در روستاهای ایران کاملاً نمایان است. اما سؤال اساسی این است که نهادهای موجود در روستاهای ایران چه تفاوتی به‌لحاظ عملکرد با نهادهای (مانند گرامین بانک بنگلادش) سایر کشورها دارند؟ برای این منظور عملکرد صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی به‌عنوان نماینده نهاد تأمین مالی روستایی و الگوی قابل انطباق با نهادهای تأمین مالی خرد در مناطق روستایی با گرامین بانک براساس سه شاخص نفوذپذیری، خودکفایی مالی و نسبت‌های مالی اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۹-۱. مقایسه شاخص نفوذپذیری

منظور از نفوذپذیری یا گستردگی، نسبت تعداد وام‌های اعطایی به جمعیت موجود در ناحیه شهری یا روستایی می‌باشد.

جدول ۳. مقایسه شاخص نفوذپذیری صندوقهای قرض الحسنه روستایی ایران
و گرامین بانک بنگلادش

ضریب نفوذپذیر اعتبارات (درصد)	جمعیت روستایی	تعداد وام پرداختی	سال	
۰/۹۵	۲۲۸۸۸۹۷۰	۲۱۹۲۹۳	۱۳۷۸	صندوقهای قرض الحسنه روستایی ایران
۰/۷۵	۲۲۷۹۰۴۴۸	۱۷۰۴۶۹	۱۳۷۹	
۴/۹	۷۲۷۷۴۰۰۰	۳۶۰۰۰۰۰	۱۹۹۵	گرامین بانک بنگلادش
		۴۴۸۰۰۰۰	۲۰۰۴	

منابع: برآورد مرکز آمار ایران مندرج در سالنامه آماری ۱۳۸۱ کشور، محاسبات محققین و Hossain and Sakhawat 1996

همان گونه که ملاحظه می شود، درصد نفوذ اعتبارات خرد در بنگلادش در مقایسه با صندوقهای قرض الحسنه روستایی ایران بسیار بیشتر است و این موضوع حاکی از عمق امداد رسانی توسط گرامین بانک و گستردگی فعالیتهای این نهاد است. به گونه ای که درصد نفوذپذیری گرامین بانک در سال ۱۹۹۵، ۴/۹ درصد بوده است، در حالی که نفوذپذیری صندوقهای قرض الحسنه روستایی ایران در سال ۱۳۷۹ تنها ۰/۷۵ درصد بوده است.

۲ - ۹. مقایسه شاخص خودکفایی مالی

معیارهای مختلفی برای سنجش میزان خودکفایی مالی مؤسسات اعتباری وجود دارند که از این میان می توان به نسبت خودکفایی عملیاتی و نیز نسبت خودکفایی کامل مالی اشاره کرد. نخستین نسبت عبارت از سهم بهره ها و کارمزدهای دریافتی از مشتریان از کل هزینه ها و نسبت دیگر نیز عبارت از سهم بهره ها و کارمزدهای دریافتی از مشتریان به هزینه های کل تعدیل شده است. این نسبتها نشان می دهند که مؤسسه مالی مورد نظر تا چه میزان از هزینه های خود را می تواند توسط ارائه خدمات خود جبران کند.

جدول ۴. مقایسه درصد خودکفایی عملیاتی صندوقهای قرض الحسنه

ایران و گرامین بانک بنگلادش

گرامین بانک بنگلادش	صندوقهای قرض الحسنه ایران			سال
	کل	روستایی	شهری	
۶۶/۲	۷۱/۳	۵۹/۱	۷۴/۸	۱۳۷۸(۱۹۹۹)
۶۳/۲	۶۶/۲	۸۵/۲	۶۴/۲	۱۳۷۹(۲۰۰۰)
۶۵	-	-	-	۲۰۰۳
۶۳	-	-	-	۲۰۰۴

منابع: محاسبات محققین و

Contribution of Grameen Bank to Gross Domestic Product of Banglades: Preliminary Estimates: by Mohiuddin Alamgir, December 1998.

با ملاحظه آمار جدول ۴ می‌توان چنین استنباط کرد که متوسط میزان خودکفایی مالی در صندوقهای قرض الحسنه کشورمان از گرامین بانک بنگلادش بیشتر است و این امتیاز مثبتی برای صندوقهای قرض الحسنه خواهد بود. اما توجه به نکاتی در این میان حائز اهمیت است. اول: اکثر وام‌گیران گرامین بانک افراد فقیر و بسیار فقیر هستند و در مقایسه این نسبتها باید تفاوت مشتریان را لحاظ نمود. دوم: نرخ بهره دریافتی گرامین در مقایسه با صندوقهای قرض الحسنه بسیار بیشتر است. نرخ بهره حقیقی وامهای گرامین بانک بسیار بالاست و در طول زمان نیز افزایش یافته است؛ درحالی‌که کارمزد وامهای صندوقهای قرض الحسنه ایران بسیار ناچیز و نرخ بهره حقیقی دریافتی آنها اغلب منفی است.

جدول ۵. متوسط نرخهای بهره حقیقی و اسمی و سالانه گرامین (۱۹۸۹-۱۹۹۴)

سال	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴
نرخ بهره اسمی	۱۶/۰	۱۶/۰	۱۸/۰	۲۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰
نرخ تورم در بنگلادش	۹/۹	۸/۱	۷/۲	۴/۳	۰/۰	۳/۶
نرخ بهره حقیقی	۵/۵	۷/۳	۱۰/۱	۱۵/۱	۲۰/۰	۱۵/۹

منبع: تأمین مالی روستایی، موضوعات، وارداتی و تجارت برتر، ترجمه رضا حسینی (۱۳۸۱)

با توجه به این نکات می‌توان دریافت که سهم کمکهای مردمی و نهادها در تأمین وجوه گرامین بانک بسیار بالا است و این بانک با استفاده از این کمکها وامهای فراوانی را اعطا می‌کند.

۳ - ۹. مقایسه نسبتهای مالی و اقتصادی

الف. نسبت ارزش سپرده‌ها به وامها

این نسبت نشان می‌دهد که مؤسسات مالی معادل چه میزان از وامهای اعطایی در طول سال، سپرده جمع‌آوری کرده‌اند. با توجه به حجم بالای وامهای اعطایی گرامین بانک و سهم بالاتر کمکهای دولتی و مردمی در تعیین وجوه این مؤسسه نسبت به صندوقهای قرض‌الحسنه، انتظار بر آن است که میزان این نسبت برای مؤسسات قرض‌الحسنه نسبت به گرامین بانک بالاتر باشد.

جدول ۶. مقایسه نسبت ارزش سپرده‌ها به وامها (قبل از کسر وامهای مستهلک شده)

برای صندوق قرض‌الحسنه و گرامین بانک بنگلادش (درصد)

گرامین بانک بنگلادش	صندوقهای قرض‌الحسنه ایران			سال
	کل	روستایی	شهری	
۴۰	۷۱/۲	۷۶/۸	۷۰/۲	۱۳۷۸(۱۹۹۹)
۴۸	۸۳/۵	۹۵/۷	۸۲/۵	۱۳۷۹(۲۰۰۰)

منبع: محاسبات محققین و (www.grameen.info.org), Past Five Years of Grameen Bank

ب. نسبت ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی

این نسبت نشان می‌دهد که به ازای هر واحد پول پرداختی به‌عنوان وام، چه میزان ارزش افزوده در مؤسسه مالی ایجاد شده است. هر چه این نسبت بالاتر باشد، نشان‌دهنده کارایی و توان مالی بالاتر مؤسسه است.

جدول ۷. نسبت ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی در گرامین بانک

سال	نسبت ارزش افزوده به اعتبارات پرداختی
۱۹۹۴	۰/۱۲
۱۹۹۵	۰/۱۵
۱۹۹۶	۰/۲۸

(با فرض ۱ دلار معادل ۴۰ تاکا)

Source: Contribution of Grameen Bank to Gress Domestic Product of Bangladesh (1998).

جدول ۸. نسبت ارزش افزوده به ارزش وام اعطایی (قبل از کسر وام مستهک شده)

در صندوقهای قرض الحسنه شهری و روستایی در سالهای (۱۳۷۸ - ۱۳۷۹)

سال	شهری	روستایی	کل
۱۳۷۸	٪۲۳	٪۱۹	٪۲۲
۱۳۷۹	٪۲۳	٪۳۸	٪۲۴

منبع: محاسبات محققین

مقایسه آمار مندرج در جداول ۷ و ۸ نشان از فاصله بسیار زیاد گرامین بانک در تولید ارزش افزوده با صندوقهای قرض الحسنه است، افزون بر این روند آمار جدول ۷ نشان می دهد که کار آیی و توان مالی گرامین بانک در طول زمان افزایش یافته است.

ج. نسبت ارزش افزوده به تعداد کارکنان

این نسبت نشان می دهد که به ازای هر نیروی کار به طور متوسط چه میزان ارزش افزوده در مؤسسه مالی مورد نظر ایجاد شده است و طبعاً می تواند تا حد زیادی مبین

میزان بهره‌وری کارکنان باشد. با توجه به تحلیلهای گذشته در مورد توانایی گرامین بانک در جذب کمک نهادها و سازمانهای دولتی و هدایت منابع این بانک در جهت تقویت بنیه مالی فقیرترین افراد اجتماع، به گونه‌ای که یک ساختار مشارکتی کم نظیر را در این زمینه شکل دهد، می‌توان پیش‌بینی کرد که میزان این نسبت در مقایسه با صندوقهای قرض‌الحسنه بسیار بالاتر باشد.

جدول ۹. مقایسه نسبت ارزش افزوده به تعداد کارکنان در گرامین بانک و

صندوقهای قرض‌الحسنه (میلیون ریال)

کل	روستایی	شهری	سال	
۷/۵۲	۳/۵۹	۸/۷۶	۱۳۷۸	صندوقهای قرض‌الحسنه ایران
۱۰/۰۱	۶/۲۲	۱۰/۹۱	۱۳۷۹	
	۱۰/۰۵		۱۹۹۴	گرامین بانک بنگلادش
	۱۷/۷۸		۱۹۹۵	
	۲۴/۷۵		۱۹۹۶	

منبع: محاسبات محققان و مآخذ پیشین؛ (با فرض ۱ دلار معادل ۴۰ تاکا نرخ ارز غیررسمی بازار آزاد)

با توجه به آمار سالهای در دسترس برای گرامین بانک (۱۳۷۳ - ۱۳۷۵) و روند رو به رشد آن می‌توان پیش‌بینی کرد که این نسبت برای سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ بسیار بالاتر باشد و این حاکی از عمق شکاف بین ساختار مدیریت و فعالیت گرامین بانک به عنوان یک نهاد پیشرو با صندوقهای قرض‌الحسنه ایران است. در پایان جهت نشان دادن وضعیت مالی گرامین بانک بنگلادش در سالهای اخیر، یادآور می‌شود که کل دارایی این بانک در سال ۲۰۰۴ در حدود ۳۳ میلیارد تاکا و

سود این مؤسسه مالی در همین سال در حدود ۴۶۵ میلیون تاکا و میزان اعتبارات اعطایی آن در سال ۲۰۰۳ حدود ۴۱۸۰ میلیون دلار بوده است. (یونس^۱، ۲۰۰۵)

۱۰. نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

روند تغییرات جوامع روستایی کشور در دو دهه اخیر حاکی از آن است که تحولات مختلفی در ابعاد متنوع جامعه روستایی به وقوع پیوسته است که منجر به تغییر چهره مناطق روستایی و خارج شدن از حالت عقب‌ماندگی و فقر مطلق شده است. اگر ارکان جوامع روستایی را شامل انسان، تولیدات کشاورزی و زیرساختهای روستایی بدانیم، به نظر می‌رسد که قسمت اعظم بهبود حاصله صرفاً در بُعد زیرساختهای روستایی بوده است و در سایر زمینه‌ها پیشرفت محسوس رخ نداده است، به گونه‌ای که شاخصهایی نظیر فقر، نرخ مهاجرت از روستاها و درآمد سرانه و نظایر آن حکایت از عمق توسعه‌نیافتگی جوامع روستایی دارد. به نظر می‌رسد با توجه به کاستی‌های گفته شده در مورد بازارهای مالی روستایی (نظیر درآمد فصلی روستاییان، کمبود سرمایه، عدم شفافیت اطلاعات و...) ایجاد و گسترش مؤسسات مالی خرد می‌تواند گامی مهم در حرکت به سمت توسعه مناطق روستایی باشد، به ویژه که تجربه این قبیل مؤسسات در شرق آسیا نیز بر این کارکرد صحه می‌گذارد.

اثرات مثبت مؤسسات تأمین مالی روستایی نظیر گرامین بانک بنگلادش، راکیات بانک اندونزی و بانک کشاورزی و تعاونی‌های کشاورزی تایلند در کاهش فقر در جوامع روستایی، دسترسی فقیرترین اقشار اجتماع به اعتبارات کوچک و نسبتاً ارزان و جلب مشارکت جوامع روستایی می‌تواند درسهای فراوانی برای سایر کشورها داشته باشد، هرچند که باید این نکته را نیز در نظر داشت که در تحلیل عملکرد این قبیل مؤسسات باید شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مربوطه لحاظ شوند. در این تحقیق صندوقهای قرض‌الحسنه (با تأکید بر بخش روستایی) به عنوان نهاد خرد با گرامین بانک بنگلادش مقایسه شد. عملکرد صندوقهای قرض‌الحسنه نشان

می‌دهد که عدم تجهیز مناسب سپرده‌ها و ارائه محصولات پس‌اندازی کاملاً غیر متنوع به‌همراه عواملی نظیر کمبود سرمایه، کمکهای مالی ناچیز و کاملاً موردی نهادهای دولتی و مردمی، هزینه‌های عملیاتی بالا و کارکنان آموزش ندیده، ساختاری را پدید آورده است که کارکرد آن ارائه تعداد کمی وام ارزان قیمت بوده است.

مقایسهٔ صندوقهای قرض‌الحسنه و گرامین بانک بنگلادش به‌عنوان یک نهاد مالی خرد موفق نشان می‌دهد که صندوقهای قرض‌الحسنه در مواردی نظیر توانایی جذب کمکهای نهادهای دولتی، نفوذپذیری اعتبارات، روند دستیابی به خودکفایی مالی و نسبت ارزش افزوده به کارکنان و اعتبارات پرداختی، بسیار ضعیف‌تر از گرامین بانک عمل کرده‌اند.

در مجموع با عنایت به تجربه موفق این کشورها در تأمین مالی روستایی و به‌منظور سامان‌دهی نظام مالی روستایی در کشور می‌توان پیشنهادهای به‌شرح ذیل جهت بهبود عملکرد نظام مالی خرد روستایی در کشور ارائه نمود:

الف. شروع اولیه فعالیت مؤسسات تأمین مالی خرد موفق (نظیر گرامین بانک) معمولاً با استفاده از اعتبارات اهدایی (توسط دولتها یا منابع بین‌المللی) بوده است؛ ولی این مؤسسات ملزم به کاهش وابستگی به این قبیل منابع بوده‌اند؛ درحالی‌که در مورد صندوقهای قرض‌الحسنه این کمکها کاملاً موردی و بی‌هدف بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود که علاوه بر مشخص نمودن وظایفی برای صندوقهای قرض‌الحسنه (توسط دولت یا ارکان بالاسری) مبنی بر تحت پوشش قرار دادن اقشار خاص (فقرا) روستایی، نیازمندان، معلولان، زنان سرپرست خانوار و...) کمکهای هدفمند به این صندوقها ارائه شود. به‌نحوی که وابستگی آنها به این کمکها در طول زمان کاهش یابد.

ب. با توجه به مشکلات صندوقهای قرض‌الحسنه در جذب سپرده، پیشنهاد می‌شود که یا قوانین مربوط به‌نحوی تغییر کنند که این صندوقها امکان جذب سپرده‌ها از طریق پرداخت سود داشته باشند و یا اینکه بتوانند از منابع یک بانک روستایی (مانند بانک کشاورزی) تأمین مالی شوند.

ج. صندوقهای قرض‌الحسنه و بانک کشاورزی می‌توانند با استفاده از طرحهای مشترک با کمیته امداد امام خمینی(ره)، وضعیت وام‌دهی خود را از حیث شناسایی اقشار کم درآمد و نظارت بر نوع مصرف وام بهبود بخشند.

د. ارائه محصولات پس‌اندازی متنوع (اعم از اجباری و اختیاری) از نظر مدت سپرده پس‌انداز و شرایط آن می‌تواند نقش مهمی در افزایش قدرت جذب سپرده‌ها در صندوقهای قرض‌الحسنه و بانک کشاورزی داشته باشند.

ه. ساماندهی مشتریان به‌نحوی که به گروه‌های مختلف تقسیم شوند و اعضای این گروه‌ها از نظر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای شرایط نسبتاً مشابهی باشند، می‌تواند مزایای بسیاری نظیر: تشکیل گروه‌های خودیاری^۱، کاهش ریسک عدم بازپرداخت وامها، امکان نظارت درون گروهی، امکان وام‌گیری افراد بدون وثیقه، افزایش مشارکت مشتریان در روند اعطای وامها، تمرکز اعطای وام به گروه‌های خاص و... را در پی داشته باشد. تغییرات جهت وامهای خرد اعطایی از سمت نیازهای ضروری(برای افرادی که از فقر شدید رها شده‌اند) به سمت وامهای تولیدی و کسب و کار باید به‌عنوان یکی از جهت‌گیری‌های اساسی اعطای وامهای خرد مدنظر قرار گیرد. و. شرایط وامهای خرد اعطایی از نظر مدت بازپرداخت و وثیقه مورد نیاز باید کاملاً انعطاف‌پذیر و در عین حال مشخص باشد، به‌گونه‌ای که مؤسساتی نظیر صندوقهای قرض‌الحسنه یا بانک کشاورزی بتوانند مبلغ معینی وام را با شرایط کاملاً مختلف عرضه کنند تا نیاز همه مشتریان برآورده شود.

ز. دریافت نرخ سود معقول از وامها یکی از مهم‌ترین عوامل ادامه فعالیت مؤسسات تأمین مالی می‌باشد و بدین لحاظ دریافت نرخ بهره پایین (نظیر صندوقهای قرض‌الحسنه) مؤسسات را با مشکلاتی در مورد خودکفایی مالی و سهمیه‌بندی اعتبارات از راه‌های مختلف مواجه می‌کند و افزون بر این دریافت نرخ بهره بالا نیز با توجه به اهداف مؤسسات تأمین مالی خرد (مبنی بر امدادسانی به اقشار فقیر و ارتقای توانایی مالی این گروه‌ها) توجیه‌ناپذیر است.

ح. استفاده از ابزار نوین مالی برای تأمین منابع سرمایه‌ای (انتشار اوراق مشارکت، سهام و...) می‌تواند نقش مهمی در تأمین منابع اعطای اعتبار و تداوم امدادسانی مؤسسات مالی خرد داشته باشد.

ط. همان‌طورکه در مقایسه صندوقهای قرض‌الحسنه با گرامین بانک بنگلادش اشاره شد، نسبت ارزش افزوده به تعداد کارکنان این نهاد بسیار پایین است. با توجه به سطح سواد نسبتاً پایین نیروی کار این نهاد، به‌نظر می‌رسد که بازآموزی و ارتقای توانایی تحصیلی کارکنان نقش مهمی در کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش بهره‌وری داشته باشد.

ی. صندوقهای قرض‌الحسنه، برخلاف ماهیتشان، عموماً به‌صورت غیرمشارکتی اداره می‌شود. از این‌رو پیشنهاد می‌شود که بحث استقلال مدیریت در تدوین و اجرای سیاستها و اعطای وام و... در این نهادها جدی گرفته شود تا از این رهگذر کارآیی این نهاد افزایش یابد.

ک. کاهش هزینه سربار شعبات (به‌ویژه در صندوقهای قرض‌الحسنه) می‌تواند نقش مهمی در تداوم امدادسانی داشته باشد.

منابع و مأخذ

۱. اندبیلی، صفت الله؛ رحیمی، عباس (۱۳۷۹)، شناسایی و تحلیل چگونگی شکل‌گیری، سازوکارهای اجرایی و زمینه فعالیت صندوقهای قرض‌الحسنه روستایی کشور، تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۲. ایرانشاهی، حسین (۱۳۸۰)، بررسی ضرورت تأسیس صندوقهای قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و ارائه الگوی ساختاری اثر بخش و کارآمد برای آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمانشاه: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹)، بررسی بازار پول و سرمایه و اهمیت آن در توسعه مناطق روستایی کشور، تحلیل وضع موجود و تجربه سایر کشورها، تهران: معاونت امور زیربنایی دفتر امور عمران شهری و روستایی.
۴. طالب، مهدی (۱۳۷۲)، اعتبارات روستایی در ایران، نگاهی جامعه‌شناسانه به مسائل، تهران: جهادسازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
۵. غلامی‌زمانی، محسن (۱۳۷۵)، موانع کارآیی بازار در ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۶. وزارت کشاورزی (۱۳۷۶)، گزارش گروه کار توسعه تعاونی روستایی، تهران: مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۷. یارون، جاکوب؛ بنجامین، مک دونالدپی؛ پیپرک، جردا. ال (۱۳۷۹)، تأمین مالی روستایی - موضوعات، طراحی و تجارب برتر، ترجمه رضا حسینی، تهران، بانک کشاورزی.

8. Alamgir, Mohiuddin (1998), *Contribution of Grameen Bank to Gross Domestic of Bangladesh : Preliminary Estimates*, Dacca: Bangladesh Institute of Development Economics.

9. Bank Negare Malaysia. Annual Report. Various Years.
10. Central Bank of Srilanka, (1980 -1999), *Review of the Economy*, Reviews Reports.
11. Central Bureau of Statistics(1996), "Indonesia Economic Report", Bank Indonesia: Indonesian Financial Statistics.
12. E.I.U(1996), *Economist's Intelligence unit*, Country Forecast, London: E.I.U.
13. Iftekhar, Hossain and Sakhawat, Javad(1996), *Microfinance capacity assessment*, Kuala Lumpur: Asian and Pacific Development Central.
14. Iftekhar, Hossain & Sakhawat, Javad (2000), *Beu Quinones and Stuart Rutherford*, Helsingfors: Svenska handelshogskolan.
15. Ministry of Plan Implementation Srilanka (1980 -1994), *Statistical Sources*, Jakarta: Ministry of Plan Implementation.
16. Moseley, Paul., David Hulme (1996), *Finance Against Poverty* London, Routledge.
17. Roberto, Edmister(1986), *Financial Institutions*, Market of Management. New York: MC. Grow Hill.
18. Srilanka Central Bank(1995-96), "Annual Report", Jakarta: Government of Srilanka, Department of Census and Statistics.
19. World Bank (1980-1996), "World Development Report", Washington. D.C.: World Bank
20. Yunus, Muhammad (2005), *Grameen Bank At a Glance*, Grameen Banking for the Poor.